

# پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۸

هزار و سیصد و نود و چهار - نیمسال دوم

- استقلال یا عدم استقلال مسجد: تحلیلی بر طرح «حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و  
نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور»  
۵ بابک درویشی - کیوان صداقتی
- بومی‌ها و جوامع محلی در حقوق بین‌الملل حفاظت از جانوران وحشی  
۱۷ ژانت الیزابت بلیک - فاطمه رضائی‌پور
- تحلیل تطبیقی مسؤلیت مدنی مراقب نسبت به اعمال اشخاص نیازمند مراقبت در حقوق  
ایران و انگلیس  
۶۵ علیرضا یزدانیان - الناز قدسی
- مشروعیت عفو در حقوق بین‌الملل  
۸۵ مهین سبحانی
- جرایم بین‌المللی ارتكابی داعش در پرتو عدالت کیفری  
۱۰۷ آرمین طلعت
- معاهدات در گذر زمان در رویه قضایی: ارزیابی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده  
اختلاف بین کاستاریکا و نیکاراگوئه  
۱۳۳ فرزانه سیف‌زاده
- معیارهای تحدید حقوق و آزادی‌های بشر  
۱۷۱ یلدا خسروی
- نقش اتحادیه ملل امریکای جنوبی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای  
۱۹۹ علیرضا رنجبر
- نام و علامت تجاری؛ فرایند ثبت و حقوق ناشی از آن  
۲۲۱ عیسی رجیبی
- جایگاه ممتاز بزه‌دیده در دادرسی کیفری اسپانیا  
۲۴۳ محمدعلی مهدوی ثابت - احسان عباس‌زاده امیرآبادی





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_32041.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_32041.html)

## مشروعیت عفو در حقوق بین‌الملل

مهین سبحانی\*

### چکیده:

گذار به دموکراسی همواره با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بوده است. یکی از این چالش‌ها، تعقیب و مجازات مأموران رژیم قبلی یا سازش و اعطای عفو به آنها در ازای واگذاری حکومت است. همچنین وقوع جنگ‌های داخلی و تلاش برای پایان‌بخشی به آن نیز ضرورت اعطای عفو برای ترغیب مخالفان به زمین گذاشتن سلاح‌هایشان را ایجاب می‌نماید. در این مقاله در پی آن هستیم که با توجه به عدم صراحت قواعد حقوق بین‌الملل در رابطه با مشروعیت عفو با بررسی رویه کشورهای که در گذشته تحت فرایند گذار قرار گرفته‌اند و همچنین بررسی اسناد و قواعد بین‌المللی موجود و نحوه برخورد ارگان‌های بین‌المللی با این پدیده، به بررسی مشروعیت عفوهای اعطایی پردازیم و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های حقوق بین‌الملل در این زمینه را تبیین نماییم.

### کلیدواژه‌ها:

عفو، جرایم بین‌المللی، تعهد به تعقیب، حق بر جبران خسارت، حق بر حقیقت.

## مقدمه

گذار به دموکراسی همواره با چالش‌های متعددی روبه‌روست. یکی از این چالش‌ها تعقیب و مجازات مأموران رژیم قبلی یا سازش و اعطای عفو به آنها در ازای واگذاری حکومت است. در واقع در اینجا چالش اصلی انتخاب بین صلح و ثبات از یک‌سو و اجرای عدالت از سوی دیگر است. بحث تعقیب و مجازات یا اعطای عفو طی دهه ۹۰ که همزمان با سرنگونی بیشتر حکومت‌های دیکتاتوری در امریکای لاتین و اروپای شرقی بود، اهمیت زیادی پیدا کرد. در این کشورها حکومت‌های نوپا همواره با این چالش روبه‌رو بودند که بین اعاده حقوق از دست رفته قربانیان جرایم ارتكابی به دست رژیم گذشته از یک طرف و صرفنظر کردن از تعقیب این جرایم و اعلام یک عفو عمومی برای برقراری ثبات و امنیت در کشور از طرف دیگر، کدام‌یک را برگزینند. این بحث بخصوص از آن نظر اهمیت داشت که در اکثر این کشورها با وجود تغییر حکومت، قوای رژیم گذشته از جمله نظامیان همچنان از قدرت برخوردار بودند و برای حکومت‌های نوپا ترس از دست دادن قدرت و بازگشت به دوران قبل از انتقال وجود داشت.

با وجود گذشت این دوران و با توجه به تحولات جهان عرب و سست شدن پایه‌های حکومت‌های دیکتاتوری در کشورهای این منطقه و گذار این کشورها به دموکراسی، این بحث مجدداً اهمیت خود را نشان می‌دهد. آنچه که مسلم است این مسأله است که از آنجا که حکومت‌های دیکتاتوری کوچک‌ترین مخالفتی در بین شهروندان خود را بر نمی‌تابند، در طول دوران حکومت خود همواره با نقض حقوق بنیادین شهروندان خود توانسته‌اند تا مدت مدیدی حکومت‌شان را تداوم بخشند. به علاوه با توجه به آستانه تحمل پایین این حکومت‌ها، اعتراض‌های مردمی با واکنش‌های شدیدی از سوی آنها روبه‌رو می‌شود که هر یک به نوبه خود و با توجه به ابعادشان می‌توانند یک تخلف حقوق بشری یا یک جرم بین‌المللی را به وجود آورند. حال پرسش این است که آیا حکومت‌های جدید - که قرار است در فرایند انتقال و گذار بر سر کار آیند - می‌توانند طی مذاکرات با حکومت در ازای کناره‌گیری سران از قدرت به آنها نوعی مصونیت سیاسی و در واقع عفو از قبل تصویب شده، اعطا نمایند؟ آیا این یک فرایند ضروری برای انتقال قدرت است؟

البته اعطای عفو محدود به این موارد نمی‌شود و در بسیاری مواقع وقوع جنگ‌های داخلی و تلاش برای پایان بخشی به آن نیز ضرورت اعطای عفو برای ترغیب مخالفان به زمین گذاشتن سلاح‌هایشان را ایجاب می‌نماید. حال باید پرسید که آیا این فرایند با تعهدات

بین‌المللی دولت‌ها که در ارتباط با شهروندان‌شان بر عهده گرفته‌اند، تعارضی ندارد؟ آیا حکومت‌ها از نظر بین‌المللی تعهدی به تعقیب مرتکبان جرایم بین‌المللی و اعاده حقوق از دست رفته شهروندان خود ندارند؟

در این مقاله در پی آن هستیم که با بررسی رویه کشورهای که در گذشته تحت فرایند گذار قرار گرفته‌اند و همچنین بررسی اسناد و قواعد بین‌المللی موجود و نحوه برخورد ارگان‌های بین‌المللی با این پدیده، به بررسی مشروعیت عفوهای اعطایی بپردازیم. بنابراین در ابتدا ضمن ارائه تعریفی از عفو به بررسی ابعاد قوانین عفو و امکان تعارض آنها با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در رابطه با شهروندان‌شان می‌پردازیم.

### الف - مفهوم عفو

عفو عبارت است از اتخاذ موازین قانونی با اثر.

۱. منع تعقیب کیفری و در برخی موارد، منع دعاوی مدنی علیه اشخاص معین یا طبقه معینی از افراد در رابطه با رفتار مجرمانه خاصی که قبل از تصویب عفو مرتکب شده‌اند یا
۲. رفع مسؤولیت قانونی با اثر عطف به ماسبق نسبت به مسؤولیت‌های قانونی که قبلاً محقق گشته‌اند.<sup>۲</sup>

درواقع عفو نه فقط مانعی شکلی در راه تعقیب ایجاد می‌نماید، همچنین می‌تواند رافع مسؤولیت قانونی مضمولان خود نیز شود. در اینجا عفو را باید از بخشش<sup>۳</sup> یا به اصطلاح عفو خصوصی متمایز نمود که به موجب آن مجرمی که محکومیت یافته یا مجرمی که در حال گذران مجازاتش است، بدون اینکه سابقه محکومیت کیفری او از بین برود، از تحمل محکومیت یا باقی آن معاف می‌شود.<sup>۴</sup>

در برخی موارد شاهد عفوهای هستیم که از طرف دولت به مأمورانش برای جرایم ارتكابی به دست آنها - که در طول یک دوره تنش در داخل کشور اتفاق افتاده است - اعمال می‌شود.<sup>۵</sup> این نوع عفو درواقع عفو مأموران دولت به خاطر ارتكاب اعمالی است که به خود

1. Amnesty

2. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule of Law Tools for Post-Conflict States: Amnesties*, New York and Geneva, United Nations, 2009, 5.

3. Pardon

۴. برای دیدن نظر مخالف رجوع شود به:

Cherif, M. Bassiouni, "Searching for Peace and Achieving Justice: The Need for Accountability", *Law and Contemporary Problems*, Autumn 1996, Vol. 59, No. 4, 25.

۵. در سال ۱۹۷۸ ژنرال پینوشه دستور عفو همه اشخاصی را صادر کرد که در دوره دولت فشار یعنی بین ۱۹۷۳-۱۹۷۸ مرتکب جرایم جنایی شده بودند. قانون عفو شیلی یک عفو عمومی برای مرتکبین جرایم اعم از محکومین و غیر محکومین، ایجاد کرد. البته بعضی از جرایم عمومی از جمله سرقت مسلحانه، بچه‌کشی، تجاوز، زنا یا محارم، کلاهبرداری، اختلاس و

دولت قابل انتساب هستند. دولت حق دارد افرادی را عفو نماید که قوانین را نقض کرده‌اند؛ اما حق ندارد جرایمی را که مأموران دولت به نفع دولت مرتکب شده‌اند، مشمول عفو قرار دهد. عفو در درجه اول حق قربانی است. دولتی که قربانی جرم است، حق دارد مجرم را عفو کند؛ اما وقتی خود شریک جرم است، نمی‌تواند خودش را عفو نماید. اعطای عفو به دست دولت به اعمالی که قابل انتساب به خودش است، تخطی از اصلی است که هیچ‌کس نمی‌تواند قاضی اعمال خودش باشد.<sup>۱</sup> چنین عفو‌هایی یک نمونه ساده از قضاوت بر اعمال خویش است. بنابراین اعطای این عفو‌ها به موجب اصول کلی حقوق ممنوع است.<sup>۲</sup> این نوع عفو‌های خودسرانه از دایره بحث ما خارج‌اند و ما صرفاً به دنبال مشروعیت عفو‌هایی هستیم که در طی دوران گذار و انتقال یا یک مخاصمه داخلی بنا به ضرورت‌های ایجاب شده اعمال می‌شوند.

اگرچه در عمل اعطای عفو طی دوران گذار در اشکال متنوعی صورت می‌پذیرد؛ دو شکل عمده اعمال آنها از طریق احکام دستگاه‌های اجرایی یا تصویب قانون در پارلمان دولت‌هاست. عفو‌ها اغلب متعاقب یک پیمان صلح بین دولت و گروه مخالف یا نیروهای شورشی برای پایان بخشی به یک جنگ یا درگیری داخلی اعطا می‌شوند. مقررات از این نوع با این وجود از طریق اقدام پارلمان مبنی بر تصویب قانونی در این زمینه یا یک اقدام اجرایی صورت می‌گیرد. برای مثال در توافق ۷ جولای صلح لومه بین دولت سیرالئون و جبهه متحد انقلابی، در یک مقرره‌ای گنجانده شد که متعاقب آن دولت متعهد به اعطای عفو مطلق به همه مبارزان و شرکای آنها در رابطه با همه اعمال انجام شده به دست آنها برای دستیابی

رانندگی در حال مستی از شمول قانون عفو مستثنا شده بودند و جنایاتی مثل آدم‌ربایی و ضرب و جرح مستثنا نشده بودند. اگرچه این قانون، عفو را شامل همه افراد اعم از مخالفان و نظامیان می‌نمود، اما این قانون بیشتر نظامیان را منتفع می‌کرد؛ چون که اکثر این جنایات را نظامیان مرتکب شده بودند. بنابراین این قانون عفو یک نوع عفو خویش فرما بود و به طور مؤثری مانع تحقیقات در جرایم ناقض حقوق بشر می‌شد، زیرا به دادگاه‌ها اجازه می‌داد که قبل از صدور کیفرخواست پرونده را بسته و مختومه اعلام نمایند.

Robert. J Quinn, "Will the Rule of Law End? Challenging Grants of Amnesty for the Human Rights Violations of a Prior Regime: Chile's New Model", *Fordham Law Review*, 1994, Vol. 62, No.4 ; Naomi Roht Arriaza, & Lauren Gibson, "The Developing Jurisprudence on Amnesty", *Human Rights Quarterly*, 1998, Vol. 20, No.4, 847.

همچنین بین سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۸۳ حکومت نظامی در آرژانتین «جنگ کثیف» را علیه مخالفان شروع کرد که طی آن هزاران نفر ناپدید، کشته یا شکنجه شدند. با شکست آرژانتین در جنگ جزایر فالکلند (مالویناس) حکومت نظامیان رو به افول نهاد، اما آنها قبل از ترک قدرت یک قانون عفو عمومی را در ۱۹۸۳ تصویب نمودند که نمونه یک عفو خویش فرما بود، زیرا در وهله اول نظامیان این کشور را منتفع می‌نمود.

*The George Washington International Elizabeth. B Ludwin King, "Amnesties in a Time of Transition", Law Review*, Winter 2010, Vol. 41, No. 4, 583-584.

1. *No one can be judge in his own suit*

2. Naomi. Roht Arriaza, *Impunity and Human Rights in International law and Practice*, New York, Oxford University Press, 1995, 57-58.



به اهداف‌شان شده است. یک هفته بعد از امضای توافق، پارلمان سیرالئون قانونی را برای تنفیذ آن، تصویب نمود.<sup>۱</sup>

برخی مواقع، عفوها مشروط هستند. عفو که در برابر دست کشیدن نیروهای شورشی از شورش و زمین گذاشتن سلاح‌ها افتاده، نمونه یک عفو مشروط است.<sup>۲</sup> در برخی موارد از یک عفو عمومی استفاده می‌شود و به این ترتیب طبقات گسترده‌ای از مرتکبان تخلفات حقوق بشری از تعقیب یا حتی مسؤولیت مدنی معاف می‌شوند.

علاوه بر عفوهای رسمی، برخی از قوانین و احکام دولتی نیز می‌توانند یک عفو دی فاکتو (de facto) را به وجود می‌آورند.<sup>۳</sup> برای نمونه می‌توان به قوانینی اشاره نمود که برای شکایت قربانیان تخلفات حقوق بشری، مهلت و دوره زمانی تعیین می‌کنند و بعد از سپری شدن مدت، دعاوی اقامه شده بعدی را رد می‌نمایند.

با توجه به تنوع موجود و با عنایت به اینکه در هیچ حوزه‌ای از حقوق بین‌الملل به صراحت اعطای عفو منع نشده است، در پی یافتن یک تقسیم‌بندی از قوانین عفو هستیم که نه مستقیماً، بلکه به دلیل مغایرت با سایر قواعد حقوق بین‌الملل و قواعد حقوق بشری، نمی‌توانند از نظر بین‌المللی دارای اعتبار باشند.

### ب - عفوهای که مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل و قواعد حقوق بشری هستند

تصویب قوانین عفو و اعطای عفو در هر کشوری با توجه به شرایط خاص آن کشور از سوی مقام‌های داخلی دولت‌ها صورت می‌پذیرد و اساساً یک نهاد حقوقی داخلی است. شرایط هر کشور با کشور دیگر متفاوت است و در این زمینه مقامات به صلاحدید خود عمل می‌نمایند. امروزه با توجه به ارتقای حقوق بشر و اهمیت آن در عرصه بین‌المللی، به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان<sup>۴</sup> محدودیت‌هایی در این حوزه صلاحیتی دولت‌ها به وجود آمده است و دیگر این حوزه، ملک طلق دولت‌ها نیست. اگرچه با توجه به منحصر به فرد بودن موارد اعطای عفو در هر یک از کشورها، ترسیم جزئیات ناممکن است، اما می‌توان به یک تصویر کلی از محدودیت‌های امروزی حقوق بین‌الملل بر عفوهای اعطایی دولت‌ها دست یافت. از

1. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule of Law Tools for Post-Conflict States: Amnesties*, op. cit., 7

۲. برای نمونه می‌توان به ضرب‌الاجل اعلام شده از سوی شورای موقت انتقالی لیبی به طرفداران حکومت معمر قذافی برای به زمین گذاشتن سلاح‌هایشان در قبال اعطای عفو اشاره نمود.

۳. مرور زمان نیز می‌تواند نوعی عفو دی فاکتو را به وجود آورد، به طوری که جرایم ارتکابی پس از گذشت دوره زمانی مشخصی طبق قانون و عدم شکایت قربانی مشمول مرور زمان شده و دیگر قابل تعقیب نیستند.

4. Diane.F, Orentlicher, "Setting Accounts: The Duty to Prosecute Human Rights Violations of a Prior Regime", *Yale Law Journal*, June 1991, Vol. 100, No. 8, 2565

آنجا که قوانین عفو می‌توانند از جنبه‌های گوناگونی با قواعد حقوق بین‌الملل تعارض یابند، این محدودیت‌ها از زوایای مختلفی می‌توانند بر قوانین عفو وارد شوند. گستره این تعارض از تعهد به تعقیب دولت‌ها در برخی جرایم بین‌المللی تا حق بر دادخواهی و جبران خسارت و حق بر حقیقت‌قرانیان را شامل می‌شود. بنابراین از سه زاویه می‌توان عفوهای مغایر با حقوق بین‌الملل را دسته‌بندی نمود<sup>۱</sup> که عبارت‌اند از:

۱. عفوهای که مغایر با تعهد دولت‌ها در تعقیب و مجازات جرایم بین‌المللی هستند.
۲. عفوهای که به حقوق قربانیان در دستیابی به یک جبران خسارت مؤثر از جمله دریافت غرامت، خدشه وارد می‌سازند.
۳. عفوهای که حقوق قربانیان و جامعه را برای دانستن حقیقت درباره تخلفات حقوق بشری و بشردوستانه محدود می‌نمایند.

**۱. عفوهای که مغایر با تعهد دولت‌ها در تعقیب و مجازات جرایم بین‌المللی هستند**

معاهدات حقوق بشری و بشردوستانه متعددی به صراحت از دول عضو می‌خواهند که مجازات جرایم خاصی را با محاکمه متهمان به این جرایم در محاکم خودشان یا با استرداد متهمان به محاکم صالح دیگر، تضمین نمایند. بنابراین عفو می‌تواند تعقیب چنین جرمی می‌شود، معاهده مربوطه را نقض کرده است.<sup>۲</sup>

#### ۱-۱. نسل‌کشی

جنایت نسل‌کشی تحت یک کنوانسیون خاص به نظم کشیده شده است<sup>۳</sup> و دولت‌های عضو کنوانسیون را به تعقیب اشخاص مسؤول به ارتکاب این جنایت در قلمروشان ملزم می‌کند. کنوانسیون در ماده ۴ خود مقرر می‌دارد که مرتکبان نسل‌کشی باید مجازات شوند. ماده ۵ کنوانسیون هم مقرر می‌دارد که دولت‌های طرف کنوانسیون تعهد می‌کنند که قوانین ضروری را برای اثربخشی به مقررات کنوانسیون و به طور خاص برای اعمال مجازات‌های مؤثر نسبت به مرتکبان نسل‌کشی تصویب کنند. طبق این مقرره اشخاص متهم به نسل‌کشی باید به دست دادگاه صالح دولت محل ارتکاب جرم یا از طرف یک دیوان

1. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule of Law Tools for Post-Conflict States: Amnesties*, op. cit., 11.

۲. این را باید متذکر شد که اعطای عفو یا تعقیب متهمان تنها گزینه‌های روی میز یک حکومت انتقالی نیست. گزینه‌های دیگری مثل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، کمیسیون‌های سازش و اِستی ملی و ... وجود دارند. همچنین منع اعمال عفو منجر به تعقیب خودبه‌خود متهمان نمی‌شود و اعمال عفو نیز ضرورتاً مانع تحقق (کامل) عدالت برای قربانیان نمی‌شود. Elizabeth.B Ludwin King, op. cit., 595

3. Convention on the Prevention and Punishment of The Crime of Genocide 1948.

بین‌المللی کیفری که صلاحیتش را دول عضو پذیرفته باشند، محاکمه شوند.<sup>۱</sup> بنابراین واضح است که طبق کنوانسیون، دولت‌های طرف معاهده ملزم به تعقیب و مجازات اشخاص متهم به ارتکاب نسل‌کشی در قلمروشان هستند.<sup>۲</sup>

به علاوه برخی<sup>۳</sup> معتقدند که تکلیف دولت‌ها به تعقیب نسل‌کشی که در قلمرو آنها رخ داده است، یک تکلیف مقرر در حقوق بین‌الملل عرفی است و در اثبات صحت آن به رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در حق شرط نسبت به کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی استناد می‌کنند. دیوان در بخشی از رأی خود اعلام می‌دارد که «اصول مقرر در کنوانسیون نسل‌کشی اصول شناسایی شده از سوی ملل متقدم است که برای دولت‌ها حتی بدون اینکه تعهد معاهداتی داشته باشند، الزام‌آور است.»<sup>۴</sup> اگرچه این رأی مشخص نمی‌نماید که کدامیک از اصول، خصیصه عرفی یافته‌اند، به نظر این عده قواعد مربوط به تعقیب و مجازات در دول محل ارتکاب جرم - که محور کنوانسیون است - را مطمئناً شامل می‌شود.<sup>۵</sup> در مقابل، مخالفان معتقدند که در شگل‌گیری قاعده عرفی هر دو عنصر مادی و معنوی لازمه هم‌اند. یک بررسی از رویه دولت‌ها در این زمینه، صحت نظر مذکور را به چالش می‌کشد. رویه دولت‌ها در این حوزه بسیار متنوع است. به طوری که هنوز در بسیاری از کشورها عفو و بخصوص عفوهای دی فاکتو به مرتکبان نسل‌کشی اعطا می‌شود. در بسیاری از این موارد این عفوها با دخالت و میانجی‌گری سازمان ملل و برای کمک به فرایند صلح و سازش در کشور طی توافق‌های بین طرفین درگیر اعطا شده‌اند. بنابراین با وجود تأکید قطعنامه‌های مجمع عمومی مبنی بر تعقیب مرتکبان جرایم بین‌المللی از جمله نسل‌کشی و دلایل محکم در توجیه آن برای حمایت از حقوق بشر و تحقق عدالت، رویه دولت‌ها از وجود یک تعهد عرفی مبنی بر خودداری از اعطای عفو در این جرایم حمایت نمی‌نماید.<sup>۶</sup> در پاسخ باید گفت عفوهایی که با حمایت و مشارکت سازمان ملل به منظور کمک به برقراری سازش بین طرفین درگیر و اعاده صلح، اعطا شده‌اند، عفوهای کور<sup>۷</sup> نبوده‌اند، بلکه در این موارد سعی در محدود و مشروط نمودن آنها به شرایطی می‌شود که صرفاً با تحقق

۱. از آنجا که این دیوان به وجود نیامده است، این وظیفه به عهده دول عضوی است که جرم در آنجا اتفاق افتاده است.

۲. برای دیدن نظر موافق رجوع شود به:

Micheal Scharf, "The Letter of the Law: The Scope of the International Legal Obligation to Prosecute Human Rights Crimes", *Law and Contemporary Problems*, Autumn 1996, Vol. 59, No. 4, 44-45.

3. Diane.F Orentlicher, *op. cit.*, 2565.

4. Reservation to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crimes of Genocide, Advisory Opinion of May 28th, 1951, 12.

5. Diane.F Orentlicher, *op. cit.*, 2565-66.

6. Michael Scharf, *op. cit.*, 58-59.

7. Blanket Amnesty



آنها امکان اعمال عفو وجود دارد. برای نمونه می‌توان به عفو اعمال شده در سیرالئون اشاره نمود که پس از توافق صلح لومه (۱۹۹۹) و اعطای عفو عمومی به کلیه شرکت‌کنندگان در جنگ‌های داخلی ده ساله در این کشور،<sup>۱</sup> نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد، اعلامیه‌ای به این موافقتنامه الحاق نمود و طی آن اعلام کرد که مفاد مربوط به عفو در این موافقتنامه قابل تسری به جرایم جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت نیستند.<sup>۲</sup> ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون نیز به صراحت عفوهای اعمال شده نسبت به جرایم بین‌المللی تحت صلاحیت دادگاه مندرج در مواد ۲-۴ را مانعی در راه اعمال صلاحیت دادگاه نمی‌داند.<sup>۳</sup> البته در این مواد خیلی صریح به جرم نسل‌کشی اشاره نشده است، اما با توجه به مصادیق مندرج در مواد ۲ و ۴ اساسنامه، نسل‌کشی نیز در قلمرو این جرایم قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup>

همچنین ماده ۴۰ قانون تشکیل دادگاه ویژه کامبوج<sup>۵</sup> که با مشارکت سازمان ملل تأسیس شد، مقرر می‌دارد که «حکومت سلطنتی کامبوج برای هر شخصی که ممکن است برای جرایم مندرج در مواد ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ این قانون مورد تعقیب قرار گیرد و محکوم شود، نباید درخواست عفو کند.»<sup>۶</sup>

جرایم مقرر در این مواد که از شمول عفو خارج شده‌اند عبارت‌اند از: نقض سنگین کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی، نابودی اموال فرهنگی مورد حمایت کنوانسیون لاهه (۱۹۵۴) در حمایت از اموال فرهنگی در صورت مخاصمه مسلحانه، جرایم علیه اشخاص دارای مصونیت دیپلماتیک طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۱ و جرایم مقرر

1. Lome Accord-7 July 1999, Available at: [www.Sierra-leone.org/LomeAccord.html](http://www.Sierra-leone.org/LomeAccord.html)

2. UN Secretary General, Report on Sierra Leone, U.N.DOC/1999 / 836. 30 July 1999

3. Statute of the Special Court for Sierra Leone, Art 2,10, Available at: [www.sc-sl.org/Documents](http://www.sc-sl.org/Documents)

۴. دادگاه ویژه سیرالئون در قضیه «کالون و کامارا» به موضوع مشروعیت قانونی قوانین عفو در حقوق بین‌الملل پرداخته است. متهمان این پرونده با اشاره به موافقتنامه لومه استدلال کردند که حکومت سیرالئون ملزم به اجرای این موافقتنامه بوده است؛ از آنجا که موافقتنامه لومه حکومت سیرالئون را ملزم به تضمین این موضوع می‌کرد که هیچ‌گونه عمل رسمی یا قضایی علیه اعضای جبهه متحد انقلابی و دیگر شرکت‌کنندگان در مخاصمه صورت نخواهد گرفت. در مقابل دادگاه با رد عفو عمومی نسبت به جرایم تحت شمول اساسنامه، تعقیب آنها را موضوع صلاحیت جهانی دانست و اعطای عفو عمومی نسبت به این جرایم را نه تنها نقض حقوق بین‌الملل، بلکه نقض تعهد یک دولت در مقابل جامعه بین‌المللی اعلام نمود.

Prosecutor v. Morris Kallon and Brima Bazzy Kamara, Special Court of Sierra Leone, Case No SCSL-2004-15-AR 72 (E) and SCSL-2004-16-AR 72(E), Decision on Challenge to Jurisdiction: Lome Accord Amnesty, Appeals Chamber, 31 March 2004, para. 22 – 35. Available at: [www.sc-cl.org](http://www.sc-cl.org)

5. Law on The Establishment of Extraordinary Chambers in The Courts of Cambodia for The Prosecution of Crimes Committed During The Period of Democratic Kampuchea, as Adopted by National Assembly on 2 January, 2001, Available at: <http://www.eccc.gov.kh/en/document/legal/law-on-eccc>

۶. برای اطلاع از جزئیات و انتقادات نسبت به عفوهای اعمال شده در کامبوج در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶ و متعاقب آن تدوین اساسنامه دادگاه ویژه کامبوج با مشارکت سازمان ملل رجوع شود به:

Ronald C. Slye, "The Cambodian Amnesties: Beneficiaries and the Temporal Reach of Amnesties for Gross Violation of Human Rights", *Wisconsin International Law Journal*, 2004, Vol. 22, No. 1, 99-123.

در قسمت چهارم قانون جزای کامبوج (قتل و شکنجه و ...) بنا بر این در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که طبق اساسنامه دادگاه ویژه کامبوج عفو عاملان نسل‌کشی ممنوع و بی‌اعتبار است.

با وجود صراحت اساسنامه محاکم کیفری یاد شده در عدم اعتبار عفوهای اعطا شده به عاملان نسل‌کشی، جدیدترین دادگاه بین‌المللی کیفری، دیوان بین‌المللی کیفری است که صلاحیت آن محدود به رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشور خاصی نیست. نسل‌کشی یکی از جرایمی است که رسیدگی به آن در صلاحیت این دیوان قرار دارد.<sup>۱</sup> با این وجود در اساسنامه این دیوان خبری از درج ماده‌ای مبنی بر ممنوعیت یا محدودیت عفو در این جرایم نیست. رجوع به کارهای مقدماتی زمان تدوین اساسنامه دیوان حاکی از اختلاف نظر عمده دولت‌ها در رابطه با درج ماده‌ای مبنی بر ممنوعیت مطلق عفو جرایم تحت صلاحیت دیوان است. به همین دلیل در نهایت تصمیم بر این شد که ماده‌ای به این موضوع اختصاص پیدا نکند.<sup>۲</sup> این در حالی است که در رابطه با ممنوعیت اعمال مرور زمان نسبت به جرایم تحت صلاحیت دیوان ماده‌ای اختصاص یافته است.<sup>۳</sup> بنا بر این می‌توان به این نتیجه رسید که صلاحیت تصمیم‌گیری در اعتبار یا عدم اعتبار عفوهای اعطایی به متهمان نسل‌کشی به خود دیوان واگذار شده است و نمی‌توان با اطمینان رأی به بی‌اعتباری مطلق عفو عاملان نسل‌کشی داد.

## ۲-۱. شکنجه

ممنوعیت شکنجه موضوع چندین سند منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ نیویورک است. کنوانسیون منع شکنجه تکالیف دولت‌های طرف کنوانسیون را در رابطه با ممنوعیت شکنجه بر شمرده است. از جمله این تکالیف، اتخاذ اقدامات قانونی، اجرایی، قضایی و سایر اقدامات در ممانعت از ارتكاب شکنجه در قلمرو سرزمینی تحت صلاحیت آنهاست.<sup>۴</sup> تضمین اینکه هر نوع اعمال شکنجه طبق قوانین کیفری آنها جرم و با مجازات‌های مناسب قابل مجازات هستند<sup>۵</sup> و اتخاذ تدابیر ضروری برای احراز صلاحیت آنها

1. Rome Statute of the International Criminal Court, Art.5, 6

2. Jessica Gavron, "Amnesties In the Light of Developments In International Law and the Establishment of the International Criminal Court", *The International and Comparative Law Quarterly*, Jan.2002, Vol.51, No.1, 107-108

3. Rome Statute of the International Criminal Court, Art.29

4. Convention against Torture and other cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 10 December 1984. Art.1(2)

5. Ibid, Art. 4 (1) – (2)

بر شکنجه از جمله این اقدامات است.<sup>۱</sup> به علاوه با پذیرش کنوانسیون هر دولت عضو خود را متعهد می‌کند که مرتکب جرم شکنجه را به منظور بررسی جرم ادعایی تحت بازداشت نگه دارد<sup>۲</sup> و پرونده وی را به منظور پیگرد به مقامات صالح تحویل دهد، مگر اینکه دولت، مجرم را به منظور تعقیب به دولت دیگری مسترد نماید.<sup>۳</sup> تکلیف صریح کنوانسیون در تعقیب و مجازات مرتکبان شکنجه متضمن ممانعت دولت‌های طرف کنوانسیون از تصویب یا اعمال قانون عفو است که مانع تعقیب مرتکبان شکنجه می‌شود.<sup>۴</sup>

همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۷ خود ممنوعیت شکنجه را مقرر می‌دارد. اگرچه این میثاق به صراحت تعقیب مرتکبان شکنجه را مقرر نمی‌دارد، کارگروه حقوق بشر سازمان ملل متحد در نخستین تفسیر کلی از ممنوعیت شکنجه مندرج در میثاق اعلام می‌کند: «در اجرای ماده ۷ میثاق، اینکه فقط شکنجه را ممنوع یا جرم‌انگاری کنیم کافی نیست. اکثر دولت‌ها قوانین کیفری قابل اعمال نسبت به شکنجه و اعمال مشابه آن دارند، چون که چنین مواردی با وجود ممنوعیت به هر حال اتفاق می‌افتد. ماده ۷ میثاق باید همراه با ماده ۲ میثاق خوانده شود که به موجب آن دولت‌ها باید یک حمایت مؤثر از مواد میثاق را از طریق سازوکارهای نظارتی تضمین کنند و دعاوی درباره سوء رفتار باید به طور مؤثری از طرف مقامات صالح رسیدگی شوند و متهم باید مسؤول شناخته شود.»<sup>۵</sup> این تفسیر روشن می‌کند که از نظر کارگروه حقوق بشر اشخاص متهم به ارتکاب شکنجه باید مسؤول شناخته شوند. به علاوه در سال ۱۹۹۲ کارگروه دومین تفسیر را در رابطه با ممنوعیت شکنجه صادر کرد که در آن تفسیر اول را توسعه بیشتری می‌دهد. در این تفسیر در رابطه با برخی از دولت‌ها که قوانین عفو شکنجه‌گران را تصویب کردند، مقرر می‌دارد: «عفوها به طور کلی مغایر با تکلیف دولت‌ها در تحقیق از چنین اعمالی هستند. دولت‌ها موظف‌اند درباره شکنجه تحقیق کنند و بعد از تعقیب عاملان آن در حوزه صلاحیت قضایی خود، اطمینان حاصل کنند که این‌گونه اعمال در آینده به وقوع نخواهند پیوست.»<sup>۶</sup> بنابراین به نظر می‌رسد اسناد مربوط یک دولت عضو را از اعطای عفوهای

1. Ibid, Art. 5(1)

2. Ibid, Art. 6(1)-(2).

3. Ibid, Art. 7(1).

4. Diane.F Orentlicher, *op. cit.*, 2567.

5. United Nations Human Rights Committee, General Comment No. 7: Torture or Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (Art 7) para. 1, July 30, 1982.  
Available at: <http://www2.unhcr.org/English/bodies/hrc/comments.htm>

6. United Nations Human Rights Committee, General Comment No. 20: Replaces general comment 7 concerning prohibition of torture and cruel treatment or punishment (Art.7): 03/10/1992, para. 15.

عمومی و گسترده منع می‌کنند که اجازه بی‌کیفری مطلق شکنجه‌گران را می‌دهد. دیدگاهی که دولت‌ها یک تکلیف عرفی در مجازات شکنجه‌گران دارند، با گزارش کارگروه منع شکنجه (نهاد ناظر بر اجرای کنوانسیون منع شکنجه) حمایت می‌شود. این کارگروه بیان کرد: «حتی قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون یک قاعده کلی در حقوق بین‌الملل وجود داشت که به موجب آن دولت‌ها متعهد به اتخاذ تدابیر مؤثر برای جلوگیری از شکنجه و مجازات شکنجه‌گران بودند.»<sup>۱</sup>

علاوه بر این پذیرش گسترده کنوانسیون منع شکنجه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از این نظر حمایت می‌کند که مندرجات این اسناد ویژگی عرفی یافته‌اند. همچنین ممنوعیت اعطای عفو نسبت به جرم شکنجه در عفوهای مورد حمایت سازمان ملل در سیرالئون و کامبوج و عفوهای صورت گرفته در برخی کشورها نظیر گواتمالا<sup>۲</sup> اعمال شده است.<sup>۳</sup> در هر صورت مثل مورد نسل‌کشی، تکلیف عرفی دولت‌ها برای تعقیب عاملان شکنجه از تکلیف معاهداتی دولت‌ها وضوح کمتری دارد. اگرچه تکلیف عرفی دولت‌ها در تعقیب عاملان شکنجه به وضوح تثبیت نشده است، اما اسناد مزبور، یک تکلیف به تعقیب را ایجاد می‌کنند که به اعتقاد برخی<sup>۴</sup> یک نتیجه ضروری از این تکلیف به تعقیب این است که حقوق بین‌الملل اعطای عفو را در جرم شکنجه ممنوع می‌نماید. بنابراین کنوانسیون‌هایی مثل کنوانسیون منع نسل‌کشی، کنوانسیون منع شکنجه و ... دولت‌ها را از عفو جرایم مندرج در این کنوانسیون‌ها و بی‌کیفر گذاشتن آنها منع می‌کنند. عفوهای اعطایی از طرف دولت‌ها در نقض تکالیف کنوانسیون‌ها نمی‌تواند در سطح بین‌المللی معتبر باشند و نمی‌تواند بر حق سایر دولت‌ها در اجرای صلاحیت‌شان بر مرتکبان این جرایم براساس اصول صلاحیت جهانی تأثیر بگذارند.<sup>۵</sup>

با وجود تفاسیر فوق مبنی بر عدم تجویز عفو در جرایم بین‌المللی که در آنها تعهد به

Available at: <http://www2.unhcr.org/English/bodies/hrc/comments.htm>

1. Report of the Committee Against Torture, U. N. Doc. A/45/44(1990)

۲. در سال ۱۹۹۶ کنگره گواتمالا قانون سازش ملی را به منظور جذب مجدد اعضای گروه اتحاد انقلابی ملی گواتمالا تصویب نمود که به موجب آن مسؤولیت کیفری برای جرایم ارتكابی از سوی طرفین درگیر در جنگ به استثنای جرایم نسل‌کشی، شکنجه و ناپدید شدن اجباری را از بین برد.

Naomi Roht Arriaza & Lauren Gibson, op. cit., 851- 853.

3. Law on The Establishment of Extraordinary Chambers in The Courts of Cambodia for The Prosecution of Crimes Committed During The Period of Democratic Kampuchea, as Adopted by National Assembly on 2 January, 2001, op. cit.; Statute of the Special Court for Sierra Leone, op. cit., Art. 2, 10.

4. Diane.F Orentlicher, op. cit., 2567.

۵. حق محاکمه متهمان براساس اصول صلاحیت جهانی یا تکلیف دولت‌ها در تعقیب جرایم بین‌المللی متفاوت است. صلاحیت جهانی نوعی حق برای دولت‌هایی غیر از محل ارتكاب جرم در محاکمه متهمان به این جرایم ایجاد می‌نماید، در حالی که تکلیف به تعقیب، یک تعهد به محاکمه عاملان جرایم بین‌المللی برای دولت محل ارتكاب جرم ایجاد می‌نماید.

تعقیب و مجازات وجود دارد، جدیدترین سند بین‌المللی در رابطه با لزوم اجرای عدالت کیفری در جرایم بین‌المللی، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است که در آن به صراحت در رابطه با مشروعیت یا عدم مشروعیت عفو ماده‌ای اختصاص داده نشده است. برخی بر این عقیده‌اند که با توجه به برخی مواد اساسنامه دیوان، ممنوعیت اعطای عفو در جرایم تحت صلاحیت دیوان نیز قابل استنباط است.<sup>۱</sup> اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، دولت‌ها را متعهد به تعقیب و مجازات این جرایم نموده است. در صورتی که دولت‌های عضو به دلیل اعطای عفو از رسیدگی به جرایم ارتكابی خودداری نمایند، دیوان می‌تواند وارد رسیدگی شود، ولی نباید از این نکته غافل بود که دیوان بین‌المللی کیفری در اجرای اصل صلاحیت تکمیلی خود باید محدودیت‌های مقرر در اساسنامه خود را لحاظ نماید. در این راستا مواد ۱۷ و ۵۳ اساسنامه می‌توانند بیانگر محدودیت‌هایی باشند که متضمن ملاحظه قوانین عفو داخلی کشورها هستند.

به موجب بند اول ماده ۱۷ اساسنامه، دیوان بین‌المللی کیفری در چهار مورد باید دعوا را غیرقابل پذیرش اعلام نماید. طبق شق دوم این بند در مواردی که پرونده از سوی مراجع ملی مورد تحقیق قرار گرفته و تصمیم بر عدم تعقیب گرفته شده است، دیوان باید دعوا را غیرقابل پذیرش اعلام نماید؛ مگر اینکه تصمیم (به عدم تعقیب) ناشی از بی میلی یا ناتوانی دولت تعقیب کننده باشد. شق دوم بند اول ماده ۱۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند این پرسش را به ذهن متبادر کند که آیا تصویب قوانین عفو هم می‌تواند جزء موارد تحت شمول این قسمت باشد. البته آن دسته از قوانین عفو که بدون هیچ تحقیقی تصویب شده‌اند، نمی‌توانند تحت شمول این بند قرار گیرند، اما این امکان هم وجود دارد که اگر به نظر دیوان عفو صادره بعد از تحقیقات صورت گرفته در رابطه با جرم ارتكابی از سوی دولت به منظور اهدای چون تحقق صلح و سازش در جامعه تصویب شده باشد، مورد احترام دیوان قرار گیرد و دیوان دعوا را غیرقابل پذیرش اعلام نماید.

به موجب ماده ۵۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری،<sup>۲</sup> دادستان در تصمیم برای شروع به

1. Antonio Cassese, *International Criminal Law*, New York, Oxford University Press, 2003, pp. 301-2; Human Rights Watch, "Policy paper: the meaning of 'the interests of justice' in Article 53 of the Rome Statute", June 2005, 4-6, Available at: <http://hrw.org/campaigns/icc/docs/ij070505.pdf>; Christopher Hall, "Suggestions concerning International Criminal Court prosecutorial policy and strategy and external relations", Contribution to an Expert Consultation Process on General Issues Relevant to the ICC Office of the Prosecutor, 28 March. 2003, 28, Available at: <http://www.icc-cpi.int/library/organs/otp/hall.pdf>

۲. ماده ۵۳: «۱. ... در تصمیم برای شروع به تعقیب، دادستان باید ملاحظه نماید که آیا ...

ج - با ملاحظه سنگینی جرم و منافع قربانیان، دلایلی برای این اعتقاد وجود دارد که تعقیب (در این مورد) نمی‌تواند منافع عدالت را محقق نماید ...

۲. اگر دادستان در راستای تعقیب به این نتیجه برسد که دلیل کافی برای تعقیب وجود ندارد زیرا: ...



تعقیب باید منافع عدالت را مدنظر داشته باشد. در بند اول ماده ۵۳ به نظر معنای موسعی از عدالت مورد نظر است. از آنجا که در کنار مواردی چون سنگینی جرم و منافع قربانیان به دلایلی اشاره شده که علاوه بر موارد مذکور می‌توانند موجب این اعتقاد شوند که شروع به تعقیب در راستای تحقق منافع عدالت نیست. نص ماده به گونه‌ای تنظیم شده است که حاکی از اولویت این دلایل در مقایسه با سنگینی جرم و منافع قربانیان است. به نظر می‌رسد که این دلایل طیف گسترده‌ای از عواملی را در برمی‌گیرند که مستقیماً به محاکمه کیفری مربوط نمی‌شوند، زیرا این دلایل صرفنظر از مواردی همچون سنگینی جرم و منافع قربانیان است که در این بند به آنها اشاره شده است.<sup>۱</sup> گزارشی که از سوی اداره دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری در تبیین معنای منافع عدالت صادر شد، بیانگر این است که منافع عدالت در این ماده معنای موسع‌تر از عدالت کیفری دارد. همچنین سکوت دیوان در رابطه با قانون عفو اوگاندا<sup>۲</sup> به این معناست که اداره دادستانی تمایلی به مخالفت با قانون عفو اوگاندا ندارد که جرایم تحت صلاحیت دیوان را تحت شمول عفو قرار داده است.<sup>۳</sup> بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه در بند اول ماده ۵۳ اساسنامه دیوان به مصادیق و دلایل تحقق منافع عدالت اشاره‌ای نشده است، اما یک قانون عفو عمومی توأم با سایر سازوکارهای عدالت انتقالی مانند کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و برنامه‌های جبران خسارت و ... می‌تواند حسب مورد دادستان را در تحقق منافع عدالت به اقتناع برسانند.<sup>۴</sup> با مشاهده این موارد حتی در رابطه با جرایم بین‌المللی که در آنها تعهد به تعقیب و مجازات وجود دارد، نمی‌توان صحبت از ممنوعیت مطلق قوانین عفو نمود. در این دسته از قوانین عفو هم اعتبار یا عدم اعتبار آنها به اوضاع و احوال و شرایط اعطای عفو بستگی دارد.

ج - تعقیب با ملاحظه همه شرایط از جمله سنگینی جرم، منافع قربانیان و سن و ناتوانی متهم و نقش وی در جرم ارتكابی، در راستای منافع عدالت نیست، باید به شعب بدوی دیوان و دولت ارجاع‌دهنده طبق ماده ۱۳(ب) نتیجه و دلایل آن را اطلاع دهد.»

1. Dražan Dukic, "Transitional Justice and the International Criminal Court-In "The Interest of Justice", *International Review of the Red Cross*, September. 2007, Vol. 89, No. 867, 696-697.

۲. وضعیت قانون عفو اوگاندا با توجه به اینکه رسیدگی به وضعیت اوگاندا یکی از اولین وضعیت‌های تحت رسیدگی دیوان است، می‌تواند موضع دیوان بین‌المللی کیفری را در این موضوع مشخص نماید. در رابطه با قانون عفو عمومی اوگاندا لازم به ذکر است که این قانون تنها عاملان جرایم را از مسئولیت کیفری مبرا نموده است و مسئولیت مدنی آنها همچنان قابل اقامه دعواست.

Roderick O'Brien, "Amnesty and International Law", *Nordic Journal of International Law*, 2005, Vol. 74, 271

3. Orlaith Minogue, "Peace vs. Justice: The Utility of Amnesties", *Criminal Justice Ethics*, December 2010, Vol. 29, No. 3, 310

4. O'Brien, *op. cit.*, 271

## ۲. عفو‌هایی که به حقوق قربانیان در دستیابی به یک جبران خسارت<sup>۱</sup> مؤثر، خدشه

### وارد می‌آورند

امروزه این امر پذیرفته شده است که عفو می‌تواند به غیرنظامیان و نظامیان برای بازگشت و ادغام در جامعه و پایان بخشی به مخاصمات کمک نماید<sup>۲</sup> به طوری که سازمان ملل نیز برای تشویق و اعمال آن گام برمی‌دارد، اما در عین حال در این موارد که اعطای عفو نه تنها مجاز، بلکه مورد تشویق هم قرار می‌گیرد، باید توجه شود که به سایر حقوق قربانیان خدشه‌ای وارد نشود. در واقع مجاز بودن عفوهای محدود لزوماً به معنای مشروع بودن آنها نیست. دولت‌ها نه فقط تعهداتی در اقدام علیه مرتکبان تخلفات حقوق بشری دارند، در عین حال تعهداتی به نفع قربانیانی این تخلفات از جمله تعهد به تضمین حق بر جبران خسارت قربانیان بر عهده دارند. دولت‌ها متعهد به ارائه جبران خسارت مؤثر به قربانیانی تخلفات حقوق بشری و نقض‌های سنگین حقوق بشردوستانه‌اند و نمی‌توانند این تعهدات را با اعطای عفو نقض نمایند.<sup>۳</sup> تعهد عام به ارائه جبران خسارت مؤثر به صراحت در معاهدات مختلفی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درج شده است.<sup>۵</sup> کارگروه حقوق بشر در

۱. حق بر جبران خسارت دارای ابعاد دوگانه است؛ اول بُعد ماهوی که به تعهد برای ارائه جبران خسارت به قربانیان تخلفات حقوق بشر و بشردوستانه، در اشکال اعاده، پرداخت غرامت، اعاده حیثیت، جلب رضایت و در مواردی تضمین به عدم تکرار، تعبیر می‌شود. دوم بُعد شکلی که به عنوان ابزار در تضمین بعد ماهوی جبران خسارت است. این بُعد شکلی در مفهوم تعهد به جبران خسارت مؤثر در اکثر معاهدات حقوق بشری درج شده است.

۲. برای نمونه می‌توان به عفوهای اعمال شده در هائیتی و سیرالئون اشاره کرد که هدف از آنها پایان بخشی به جنگ‌های داخلی بود. برای توضیح بیشتر رجوع شود به:

Elizabeth B. Ludwin King, *op. cit.*, 591-595.

۳. برای نمونه می‌توان به قانون عفو پرو اشاره نمود که در سال ۱۹۹۵ سه سال بعد از دستگیری رهبران گروه شورشی سندرو لومینوزو (Sendero Luminoso) در پرو تصویب شد و برخلاف اکثر قوانین عفو، به منظور سازش ملی بعد از سقوط حکومت دیکتاتوری یا برای خاتمه یک جنگ داخلی نبود، بلکه این عفو شامل پلیس و افراد نظامی و شهروندان محکوم شده در رابطه با اعمال مربوط به جنگ علیه تروریسم برای دوره ۱۵ بین ۱۹۹۵-۱۹۸۰ و همین‌طور مخالفان تروریست و اعضای سندرو و سایر کسانی می‌شد که با سندرو یا سایر گروه‌های مسلح همکاری داشتند. هیچ کمیسیون حقیقت‌یاب یا نهاد دیگری برای جبران خسارت قربانیان تخلفات حقوق بشری تشکیل نشد. این قانون علاوه بر اینکه مانع تعقیب مرتکبان جرایمی شد که در طی جنگ داخلی این کشور رخ داده بود، بلکه مسؤلیت مدنی آنها را نیز از بین برد و هیچ راهی برای جبران خسارت قربانیان باقی نگذاشت.

Naomi Roht Arriaza & Lauren Gibson, *op. cit.*, 855.

4. *Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law*, General Assembly Resolution 60/147, Annex, 21 March 2006, para. 3(d)

۵. به موجب ماده (۳)۲ میثاق: هر دولت عضو متعهد می‌شود: الف - تضمین نماید که هر یک از اشخاصی که حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده‌شان در این میثاق، نقض شود، یک جبران خسارت مؤثر داشته باشد اگرچه این نقض به دست اشخاصی اتفاق افتاده باشد که در صلاحیت رسمی‌شان عمل می‌کرده‌اند؛ ب - تضمین نماید که هر یک از اشخاصی که یک ادعای خسارت دارند، حق داشته باشند که از طرف مراجع قضایی، اجرایی یا قانونگذاری صالح مورد قضاوت قرار گیرند؛ ج - تضمین نمایند که مقامات صالح (احکام) جبران خسارت را در صورت صدور اجرا نمایند.

تفسیر شماره ۳۱ خود از میثاق اعلام داشت که «دولت‌ها علاوه بر حمایت مؤثر از حقوق مندرج در میثاق باید تضمین نمایند که افراد به جبران خسارات مؤثر برای نقض این حقوق دسترسی داشته باشند.» به علاوه کارگروه مقرر داشت که «بدون یک جبران خسارت مؤثر برای افرادی که حقوق‌شان نقض شده، تعهد به ارائه جبران خسارت ایفا نشده است.»<sup>۱</sup> به استثنای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) هر یک از معاهدات حقوق بشری صریح مقرر می‌دارند که قربانیان تخلفات حقوق بشری باید به جبران خسارت مؤثر دسترسی داشته باشند. اگرچه ممنوعیت اعمال عفو لزوماً به معنای برخورداری تمامی قربانیان از حق جبران خسارت نیست، ولی عفو که در حق جبران خسارت قربانیان خدشه وارد آورد، ناقض معاهدات حقوق بشری است. به علاوه قربانیان تخلفات حقوق بشری از یک حق بر جبران خسارت طبق حقوق بین‌الملل عام نیز برخوردارند.<sup>۲</sup>

در طی دوران گذار که تخلفات گسترده حقوق بشری و بشردوستانه اتفاق می‌افتد، تعهد به تضمین جبران خسارت قربانیان ابعاد متفاوتی می‌یابد. در این شرایط دولت‌ها تحت یک تعهد حقوقی، سیاسی و اخلاقی برای اتخاذ موازین جبرانی و ارائه یک برنامه جامع به منظور جبران خسارات وارده به قربانیان خشونت‌های صورت گرفته‌اند.<sup>۳</sup> نحوه اعمال این حق و تکلیف متناظر با آن اساساً موضوع حقوق داخلی است و در این رابطه دولت‌ها از صلاحدید زیادی برخوردارند؛ اما در عین حال یک مجموعه اصول اساسی و بنیادین در جبران خسارات حاکم‌اند که نباید از طرف دولت‌ها نادیده انگاشته شوند.

از جمله این اصول دسترسی به جبران خسارات جامع برای قربانیان است. تقسیم‌بندی رایجی از انواع جبران خسارات وجود دارند که شامل اعاده وضع سابق، پرداخت غرامت، اعاده حیثیت، جلب رضایت و تضمین عدم تکرار می‌شود. ارائه محدود یکی از این اشکال جبران خسارت برای قربانیان، رضایت‌بخش نخواهد بود، بلکه ترکیبی مناسب از آنهاست که می‌تواند منجر به تحقق عدالت برای قربانیان گردد.<sup>۴</sup>

به علاوه به منظور تضمین جامعیت یک برنامه جبران خسارت باید قلمرو آن را به قربانیان همه تخلفات صورت گرفته طی دوران جنگ داخلی یا سرکوب تسری داد. درواقع یکی از مشکلات اساسی پیش روی برنامه‌های جبران خسارت، تعریف قربانیان و میزان غرامتی

1. General comment No 31 (2004) on the nature of the general legal obligation imposed on States parties to the Covenant, 26 May 2004, CCPR/C/21/Rev.1/Add.13.

۲. نک:

General Assembly resolution 60/147, *op.cit.*

3. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule-of-law Tools for Post-conflict States: Reparations Programs*, New York and Geneva, United Nation, 2008, 11-13.

4. The rule of law and transitional justice in conflict and post-conflict societies, Report of the Secretary-General, S/2004/616, para. 55.

است که قربانیان حق دریافت آن را دارند. بیشتر برنامه‌های جبران خسارت بر شمار معدودی از جرایم تأکید دارند و بسیاری از جرایم حقوق بشری خارج از قلمرو آنها قرار می‌گیرند. برای نمونه برنامه جبران خسارت در برزیل، فقط شامل قربانیان ناپدید اجباری و مرگ ناشی از عوامل غیرطبیعی در اداره پلیس یا اماکن مشابه می‌شد و قربانیان سایر جرایم از جمله شکنجه و توقیف غیرقانونی را نادیده می‌گرفت.<sup>۱</sup> اگرچه ضرورت‌هایی در توجیه عفو وجود دارند، اما اینها مستلزم نادیده گرفتن سایر حقوق قربانیان نیست و نباید به بهانه اعمال عفو عمومی، حق بر جبران خسارت قربانیان را ضایع نمود و آنها از دسترسی به مراجع قانونی برای جبران خسارت صورت گرفته محروم نمود. عفوهای به این شکل، مغایر با تعهدات بین‌المللی دولت‌هاست.

### ۳. عفوهای که حقوق قربانیان و جامعه را برای دانستن حقیقت درباره تخلفات حقوق

#### بشری و بشردوستانه محدود می‌نمایند

همان‌گونه که حقوق بین‌الملل دولت‌ها را متعهد به تعقیب جرایم بین‌المللی و ارائه جبران خسارت مؤثر به قربانیان تخلفات حقوق بشری می‌نماید، تعهدات دیگری را نیز در این رابطه برای دولت‌ها مقرر داشته است که در واقع محدودیتی دیگر در اعمال عفو است. عفوها نباید به حق بر حقیقت<sup>۲</sup> خدشه‌ای وارد آورند. حق بر دانستن حقیقت درباره تخلفات سنگین حقوق بشر، یک حق مستقل و غیرقابل تعرض است و نباید مشمول محدودیت شود.<sup>۳</sup> مجموعه اصول برای حمایت و ارتقای حقوق بشر از طریق اقدام به مبارزه با بی‌کیفری، حق بر دانستن حقیقت در تخلفات سنگین حقوق بشری و جرایم مهم بین‌المللی را تأیید می‌نماید. به موجب این اصول حق بر حقیقت دارای دو بُعد فردی و جمعی است. اصل دوم آن اعلام می‌دارد که «همه افراد حق غیرقابل نقض برای دانستن حقیقت حوادث گذشته مربوط به ارتکاب جرایم سنگین و شرایط و دلایلی که منجر به ارتکاب این جرایم شده را دارند.» اصل چهارم هم مقرر می‌دارد که «صرف‌نظر از هر دعوی قانونی، قربانیان و خانواده‌شان حق بر دانستن حقیقت درباره شرایطی که در آن تخلف صورت گرفته و (اطلاع) از سرنوشت قربانی

1. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule-of-law Tools for Post-conflict States: Reparations Programs*, op. cit., 20.

۲. از نظر تاریخی مبنای این مفهوم به قواعد حقوق بشردوستانه، بخصوص در رابطه با حق خانواده‌ها بر اطلاع از وضعیت بستگان‌شان و تعهد طرفین مخاصمه مسلحانه به جستجوی اشخاص گمشده برمی‌گردد.  
Promotion and Protection of Human Rights, Study on the right to the truth, Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Commission on Human rights, 8 February 2006, E/2006/91, para.5 .

3. Ibid, para.60 .

در صورت مرگ یا ناپدید شدن را دارند.» به موجب اصل بیست و دوم این اصول، دولت‌ها باید موازینی در برابر هر گونه سوءاستفاده از قواعدی مثل مرور زمان، عفو و ... اتخاذ نمایند که بی‌کیفیری را تسهیل می‌نماید. حتی هنگامی که اعطای عفو برای آشتی ملی ضرورت یابد، اعمال آن نباید خدشه‌ای بر حق بر حقیقت وارد آورد.<sup>۱</sup> در واقع این یک تعهد دولت است که حق بر حقیقت دربارهٔ تخلفات را تضمین نماید.

بنابراین عفوهایی که افشای حقیقت دربارهٔ اشخاص ناپدید شده و حق خانواده‌شان برای اطلاع از سرنوشت آنها را منع می‌نمایند، مغایر با این حق قربانیان و خانواده‌شان و تعهد دولت‌ها به تضمین این حق است. کمیسیون منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها هم بر حق خانواده‌ها برای اطلاع از سرنوشت بستگان‌شان - که تحت هر شکلی از بازداشت قرار گرفته‌اند یا قربانی ناپدید شدن اجباری بوده‌اند - و در رابطه با تخلفات سنگین حقوق بشری که موضوع قوانین عفو بوده‌اند، تأکید می‌نماید.<sup>۲</sup>

حق بر حقیقت به تعهد دولت‌ها برای حمایت و تضمین حقوق بشر مربوط می‌شود. به همین دلیل قوانین عفو و موازین مشابهی که مانع تحقیق از تخلفات حقوق بشری می‌شوند، حق بر حقیقت را نقض می‌نمایند. نهادهای حقوق بشری عموماً عفو در تخلفات سنگین حقوق بشری را به دلیل نیاز برای مبارزه با بی‌کیفیری در این جرایم و تضمین حق بر دانستن قربانیان و خانواده‌شان، رد می‌نمایند.<sup>۳</sup>

در بسیاری از کشورهای که دوران گذار را طی کرده‌اند، کمیسیون‌های حقیقت‌یابی برای بررسی و تحقیق از وقایع دوران گذار تشکیل می‌شود که این کمیسیون‌ها می‌توانند نقش مهمی در ایفای حق بر دانستن حقیقت در رابطه با تخلفات صورت گرفته اعمال نمایند. یکی از معروف‌ترین کمیسیون‌های حقیقت‌یاب کمیسیون حقیقت‌یاب آفریقای جنوبی است که به موجب اختیارات اعطا شده به آن می‌توانست به آنهایی که به طور کامل حقایق مربوط به جرایم با انگیزه‌های سیاسی را اقرار نمایند، عفو اعطا نماید. به نظر برخی از آنجا که عفو اعمال شده در این کشور - جرم آپارتاید - را که یکی از مصادیق جرایم علیه بشریت است و تعهد به تعقیب نسبت به آن وجود دارد،<sup>۴</sup> مشمول عفو قرار داد، مغایر با حقوق بین‌الملل

1. Promotion and Protection of Human Rights, Impunity, Updated Set of principles for the protection and promotion of human rights through action to combat impunity, Report of the independent expert to update the Set of principles to combat impunity, Diane Orentlicher, E/CN.4/2005/102/Add.1,8 February 2005

2. E/CN.4/Sub.2/1993/6and E/CN.4/Sub.2/1991/20and E/CN.4/Sub.2/1985/16, *Ibid*, para. 17.

3. *Ibid*.

4. International Convention on the Suppression and Punishment of the International Crime of Apartheid, 1973, Art. 5.



است.<sup>۱</sup> با این وجود استقبال جامعه بین‌المللی از سازوکار به گرفته شده در این کشور را می‌توان نمونه عفو یک جرم بین‌المللی دانست که اگرچه تعقیب و مجازات عاملان جرایم کنار گذاشته شد، اما در عین حال حق بر حقیقت قربانیان و جامعه به فراموشی سپرده نشد. عفو به کار گرفته شده در آفریقای جنوبی نمونه عفو مشروط آن دسته از جرایم بین‌المللی است که در آنها تعهد به تعقیب و مجازات وجود دارد. با وجود مغایرت این عفو با تعهد به تعقیب و مجازات آپارتاید، به دلیل رعایت برخی محدودیت‌ها و رعایت حق بر حقیقت قربانیان، هیچ نهاد بین‌المللی اعتبار قانون عفو آفریقای جنوبی را به چالش نمی‌کشد. به دنبال آن کشورهای دیگری نیز برای ایجاد کمیسیون‌های حقیقت‌یاب قدم برداشتند، با این وجود تمایزهای معناداری با کمیسیون حقیقت‌یاب آفریقای جنوبی داشتند. برای نمونه کمیسیون حقیقت و سازش در تی مور شرقی در سال ۲۰۰۲ اجازه اعطای عفو به مرتکبان جرایم جدی مثل قتل عمد و تجاوز را نداد، حتی هنگامی که مرتکبان به ارتکاب آنها اقرار کرده و به طور کامل آن را افشا نموده باشند و در سایر جرایم نیز اعطای عفو منوط به اقرار کامل و تعهد به خدمت به جامعه یا پرداخت غرامت متعاقب توافق بین مرتکب، قربانی و جامعه شد. آنهایی که از تعهدات توافق شده سرباز می‌زدند، مجدداً تحت تعقیب قرار می‌گرفتند.<sup>۲</sup> با توجه به این شرایط این عفو می‌تواند به عنوان یک عفو قابل قبول از لحاظ ملی و بین‌المللی تلقی شود.

بنابراین کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و سایر سازوکارها جهت تحقق حق بر حقیقت می‌توانند اعطای عفو را منوط به رعایت شرایط و محدودیت‌هایی نمایند که در نهایت منجر به اعتبار قوانین عفو در عرصه بین‌المللی گردند.

### نتیجه‌گیری

یک بررسی از عملکرد دولت‌ها طی دوران گذار نشان از گرایش دولت‌ها به اعطای عفو به عنوان بخشی از فرایند انتقال حکومت به منظور ترغیب مخالفان برای سازش و برقراری صلح در کشور دارد. با توجه به تحولات اخیر حقوق بین‌الملل و گسترش تعهدات حقوق بشری دولت‌ها، سازوکارهای انتقال دیگر تحت صلاحیت انحصاری دولت‌ها نیست. اگرچه فرایند انتقال با توجه به اوضاع و احوال و شرایط خاص هر کشور متفاوت است، اما امروزه دولت‌ها دارای تعهدات بین‌المللی در برابر شهروندان خود هستند که این تعهدات دامنه

۱. برای دیدن نظر مخالف رجوع شود به:

Elizabeth.B Ludwin King, *op. cit.*, 615.

2. E/CN.4/2004/88, para. 12, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule-of-law Tools for Post-conflict States: Amnesties*, *op. cit.*, 34.

اختیارات آنها را محدود می‌نماید. عفوها در بسیاری از این موارد یکی از سازوکارهای ضروری فرایند انتقال محسوب می‌شوند که امروزه محدودیت‌هایی در عرصه حقوق بین‌الملل بر آنها وارد شده است.

نخست اینکه طبق محدودیت‌های وارده دیگر عفوهای کور نمی‌توانند سرپناهی برای مرتکبان آن دسته از جرایم بین‌المللی باشند که در آنها تعهد به تعقیب وجود دارد. دوم آنکه نمی‌توانند به بهانه اعمال عفو، حقوق قربانیان در جبران خسارت و دانستن حقیقت را نادیده بینگارند. در مجموع می‌توان گفت که قوانین عفو در صورت حصول شرایط زیر معتبرند:

۱. عفوها محدود و اصولی برای رسیدن به اهدافی خاص از جمله تضمین صلح یا اعاده آشتی ملی به کشور باشد؛
  ۲. عفو توأم با سازوکارهای دیگر از جمله کمیسیون‌های حقیقت‌یاب یا سازوکارهای مشابه به منظور تحقق حق بر حقیقت باشد؛
  ۳. امکان جبران خسارت وارده به قربانیان وجود داشته باشد و عفو مانع تحقق حق بر جبران خسارت قربانیان نشود؛
  ۴. عفو خود اعلامی نباشد به این معنا که عفو در نتیجه تصمیم یک‌جانبه از سوی حکومتی نباشد که خود متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی است.
- محدودیت‌های مذکور حتی در رابطه با عفو آن دسته از جرایمی که در آنها تعهد به تعقیب و مجازات وجود دارد، قابل اعمال است. اگرچه عفو این جرایم مغایر با تعهدات بین‌المللی مبنی بر تعقیب و مجازات این جرایم است، اما جدیدترین سند بین‌المللی در رابطه با تعقیب و مجازات این جرایم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است که با توجه به عدم صراحتش در ممنوعیت عفو رویکرد جدیدی را اتخاذ نموده است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در مواد ۱۷ و ۵۳ خود دست دادستان را برای تعقیب یا عدم تعقیب جرایم تحت صلاحیت دیوان با توجه به منافع عدالت - همان جرایمی که در رابطه با آنها تعهد به تعقیب و مجازات وجود دارد - باز گذاشته است. منافع عدالتی که می‌تواند حاکی از عدم لزوم تعقیب این جرایم باشد. بنابراین تعقیب و مجازات این جرایم هم تحت هر شرایطی ضروری نیست و عفو این جرایم با اعمال محدودیت‌هایی می‌تواند نظر دادستان را مبنی بر تحقق منافع عدالت جلب نماید. اگر عفو محدود به صرف نظر نمودن از اجرای عدالت کیفری شود، با مشروط نمودن آن به کشف حقیقت، برنامه‌های جبران خسارت و سایر سازوکارهای مشابه می‌تواند صلح و عدالت را از دریچه‌ای دیگر برای جامعه به ارمغان آورد.

## منابع خارجی

1. Bassiouni, Cherif. M, "Searching for Peace and Achieving Justice: The Need for Accountability", *Law and Contemporary Problems*, Autumn 1996, Vol. 59, No. 4, 9-28. Available at <http://hrw.org/campaigns/icc/docs/ij070505.pdf>
2. Cassese, Antonio Cassese, *International Criminal Law*, New York, Oxford University Press, 2003.
3. Convention against Torture and other cruel, inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 10 December 1984. Art .2(1), Available at: [www2.ohchr.org](http://www2.ohchr.org)
4. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide 1948.
5. Dukic, Dražan, "Transitional Justice and the International Criminal Court-In "The Interest of Justice", *International Review of the Red Cross*, September 2007, Vol. 89, No. 867, 691-718.
6. Gavron, Jessica, "Amnesties In the Light of Developments In International Law and the Establishment of the International Criminal Court", *The International and Comparative Law Quarterly*, Jan. 2002, Vol.51, No.1, 91-117.
7. General Assembly Resolution 60/147, Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, Annex, 21 March 2006.
8. General comment No 31 (2004) on the nature of the general legal obligation imposed on States parties to the Covenant, 26 May 2004, CCPR/C/21/Rev.1/Add.13.
9. Hall, Christopher, "Suggestions concerning International Criminal Court prosecutorial policy and strategy and external relations", Contribution to an Expert Consultation Process on General Issues Relevant to the ICC Office of the Prosecutor, 28 March. 2003, 28, Available at: <http://www.icc-cpi.int/library/organs/otp/hall.pdf>
10. Human Rights Watch, "Policy paper: the meaning of "the interests of justice" in Article 53 of the Rome Statute, June. 2005.
11. *International Convention on the Suppression and Punishment of the International Crime of Apartheid*, 1973.
12. Law on The Establishment of Extraordinary Chambers in The

- Courts of Cambodia for The Prosecution of Crimes Committed During The Period of Democratic Kampuchea, as Adopted by National Assembly on 2 January, 2001, <http://www.eccc.gov.kh/en/document/legal/law-on-eccc>
13. Lome Accord – 7 July 1999 – Sierra Leone. [www.Sierraleone.org /Lome Accord.Html](http://www.Sierraleone.org /Lome Accord.Html)
  14. Ludwin King, Elizabeth. B, “Amnesties in a Time of Transition”, *The George Washington International Law Review*, Winter 2010, Vol. 41, No. 4. 577-618.
  15. Michael Scharf, “The Letter of the Law: The Scope of the International Legal Obligation to Prosecute Human Rights Crimes”, *Law and Contemporary Problems*, Autumn 1996, Vol. 59, No. 4, 41-61.
  16. Minogue, Orlaith, “Peace vs. Justice: The Utility of Amnesties”, *Criminal Justice Ethics*, December 2010, Vol. 29, No. 3, 306-314.
  17. O’Brien, Roderick, “Amnesty and International Law”, *Nordic Journal of International Law*, 2005, Vol. 74, 261-278.
  18. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule of Law Tools for Post-Conflict States: Amnesties*, New York and Geneva, United Nations, 2009.
  19. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Rule-of-law Tools for Post-conflict States: Reparations Programs*, New York and Geneva, United Nations, 2008.
  20. Orentlicher, Diane.F, “Setting Accounts: The Duty to Prosecute Human Rights Violations of a Prior Regime”, *Yale Law Journal*, June 1991, Vol. 100, No. 8, 2537-2615.
  21. Promotion and Protection of Human Rights, Impunity, Updated Set of principles for the protection and promotion of human rights through action to combat impunity, Report of the independent expert to update the Set of principles to combat impunity, Diane Orentlicher, E/CN.4/2005/102/Add.1, 8 February 2005.
  22. Promotion and Protection of Human Rights, Study on the right to the truth, Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Commission on Human rights, 8 February 2006, E/2006/91
  23. Prosecutor v. Morris Kallon and Brima Bazzy Kamara, Special Court of Sierra Leone, SCSL – 2004 – 15 – AR 72 (E) and SCSL

- 2004 – 16 – AR 72 (E), Decision on Challenge to Jurisdiction: Lome Accord Amnesty, Appeals Chamber, 31 March 2004
24. Quinn, Robert. J, “Will the Rule of Law End? Challenging Grants of Amnesty for the Human Rights Violations of a Prior Regime: Chile’s New Model”, *Fordham Law Review*, 1994, Vol. 62, No.4, 605-660.
25. Report of the Committee against Torture, U.N. Doc. A/45/44 (1990).
26. *Reservation to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crimes of Genocide*, Advisory Opinion of May 28<sup>th</sup>, 1951.
27. Roht, Arriaza, Naomi, *Impunity and Human Rights in International law and Practice*, New York, Oxford University Press, 1995.
28. Roht, Arriaza Naomi & Lauren Gibson, “The Developing Jurisprudence on Amnesty”, *Human Rights Quarterly*, 1998, Vol. 20, No. 4, 843-885.
29. Ronald. C Slye, “The Cambodian Amnesties: Beneficiaries and the Temporal Reach of Amnesties for Gross Violation of Human Rights”, *Wisconsin International Law Journal*, 2004, Vol. 22, No.1, 99-123.
30. Statute of the Special Court for Sierra Leone, Available at: [www.sc-sl.org/Documents](http://www.sc-sl.org/Documents)
31. The rule of law and transitional justice in conflict and post-conflict societies, Report of the Secretary-General, S/2004/616
32. UN Secretary General Report on Sierra leone, U.N. DOC/1999/836. 30 July 1999.
33. United Nations Human Rights Committee, General Comment No.20: Replaces general comment 7 concerning prohibition of torture and cruel treatment or punishment (Art.7):03/10/1992. Available at: <http://www2.unhchr.org/English/bodies/hrc/comments.htm>
34. United Nations Human Rights Committee, General Comment 7, Torture or Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (Art7) para1july30, 1982 Available, at: <http://www2.unhchr.org/English/bodies/hrc/commens.htm>



## Legitimacy of Amnesties in International Law

**Mahin Sobhani**

**Abstract:**

Transition to democracy has always been faced a lot of challenges. One of these challenges is the prosecution and punishment of the prior regime's officials or reconciliation and granting amnesty in return for transferring power to new government. In addition, the occurrence of internal conflicts and the struggle to end them, call for necessity of granting amnesties in order to encouraging opponents to lay down their arms. In this article, with regard to the ambiguity of international rules as to the legitimacy of amnesty, I seek to examine the legitimacy of granted amnesties in international arena and explain the constraints and prohibitions that international law applies in this respect, through a thorough examination of experience of different countries which, in past, has been in process of transition and examination of existing international rules and documents and way of reaction of international organs to it.

**Keywords:**

Amnesty, international crimes, Duty to prosecute, Right to a remedy, Right to truth

# Journal of LEGAL RESEARCH

**VOL. XIV, No. 2**

**2015-2**

- Independence or lack of independence mosque: Study on draft of “support of management, construction, equipping and renovation of mosques and prayer rooms in the country”  
Babak Darvishi- Keyvan Sedaghati
- Indigenous and Local Communities under International Wildlife Protection Law  
Janet Elizabeth Blake - Fatemeh Rezaipour
- A Comparative Analysis of Civil Liability of Caretaker over the Actions of Persons in Need of Care in the Iranian and English Law  
Alireza Yazdanian - Elnaz Ghodsi
- Legitimacy of Amnesties in International Law  
Mahin Sobhani
- ISIS’s International Crimes in the light of Criminal Justice  
Armin Talaat
- Treaties over time in jurisprudence: Evaluation of the Judgment of the International Court of Justice in the Case Concerning the Dispute Regarding Navigational and Related Rights  
Farzaneh Seifzadeh
- Criteria for Limiting Human Rights and Liberties  
Yalda Khosravi
- The Role of the Union of South American Nations in the Maintenance of International and Regional Peace and Security  
Alireza Ranjbar
- Name and trademark: the process of registration and related rights  
Eisa Rajabi
- La victime en Espagne: acteur privilégié du procès pénal  
Mohammad Ali Mahdavi Sabet - Ehsan Abbaszadeh



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**  
Research & Study